

# دل و زبان

بسیار می شود که گفتن يك سخن ؛ نعمتهای فراوانی را از انسان می گیرد .

علی علیه السلام

به راستی که این «زبان» کلید  
همه نیکیها و زشتیها است  
«امام باقر (ع) (۱)»

و راه صحیحی را برای آنان رهنمون شود ، روزی  
عده‌ای از اشراف و بزرگان بر او وارد شدند، او  
با خوشنودی و انبساط فراوان به تقمان دستور داد که  
گوسفندی را سر بریده از بهترین اعضای آن غذایی  
برای مهمانان عزیز تازه وارد ، تهیه نماید ،  
تقمان موقعیت را مناسب دید و فرصت را مغتنم  
شمرده از دل و زبان گوسفند غذایی تهیه کرد و  
بر سر سفره آورد، روز بعد بوی دستور دادند که  
که گوسفند دیگری را سر بریده از بدترین اعضای  
آن غذا تهیه نماید . تقمان، این بار هم اذدل و زبان  
گوسفند غذا آماده کرد.

این کار، موجب شگفتی او و مهمانان شد ،  
پرسیدند: چگونه میشود که يك عضو، هم بهترین  
و هم بدترین اعضا باشد؟ پاسخ داد : «**دل و زبان**»

تقمان حکیم در آغاز جوانی، برده کسی بود  
که به سخاوت ، بخشش و مهمانداری معروف بود،  
واردین ، یازمندان و مسافری از سفره گسترده و  
نعمتهای فراوانی که در اختیار او بود، بهره بسیار  
می بردند، اما تقمان، که تنها به ظواهر و زایای مادی  
توجه نداشت، و معتقد بود که انسان باید دارای يك سلسله  
فضائل اخلاقی و متویات هم باشد، از يك جهت رنج  
می برد که می دید شخصی که آن همه ثروت مند و نیکو  
کار است، هنگام سخن گفتن میادی و آداب انسانی را  
رعایت نمی کند هر گاه که با همردیقتش بر سر سفره‌ای  
می نشیند سخنان زشتی از آنان می شنود که این سخنان  
حتی برای سعادت آینده خودشان نیز خطرناک است  
اوبه دنبال فرصت می گشت تا بتواند وظیفه انسانی  
خود را انجام دهد و آنان را به اشتباهشان آگاه سازد

(۱) بحار الانوار ج ۷۸ ص ۱۷۸

مؤثرترین اعضا در سعادت و نیکبختی، و در شقاوت و بدبختی انسان هستند، اگر دل کانون ایمان و صفا و محبت باشد، زبان را به نشر معارف، اصلاح امور اجتماع و حل مشکلات مردم و ابدا در و در این صورت زبان، موجب سعادت انسان در افرایم می‌گردد. بنابراین بهترین اعضا میشوند؛ ولی هرگاه دل ظلمتگه چهل و کینه و عناد و بداندیشی گردد، این پلیدیها و ناپسندیها بصورت سخنانی ناپسند و رشت از زبان، سرمی‌زنند و به این وسیله انسان را بصورت حیوانی بد خو و درنده در می‌آورد و در اینحال هیچک از اعضا زبانبارتر از این دو عضو نخواهد بود.

سخنان حکیمانه لقمان تا احمق وجود آنان نفوذ کرد مسیر زندگی آنان را به سوی سعادت و فضائل انسانی رهبری نمود (۱).

\*\*\*

همه میدانند که زبان مؤثرترین عضو، در زندگی انسان است و پیشبردر هفتی بستگی به این دارد که انسان در تقیبات آن چگونه سخن بگوید، شرکتها و مؤسسات، رنگه اقتصادی، افرادی را برای «بازاریابی» یا «روابط عمومی» مؤسسه خود استخدام می‌کنند، و در این کاری می‌کشند کسانی را انتخاب کنند که خوش برخورد، خوش زبان و دارای حسن خلق باشند.

در این راه يك ديپلمه خوش زبان و خوش

- (۱) قصص قرآن ص ۲۶۵
- (۲) سوره ۲ آیه ۲۲۵
- (۳) سوره ۲ آیه ۱۰۵
- (۴) شعراء آیه ۸۹ و ۹۰

شده است که پشیمان معصوم (ع) آنرا کلید همه خوبیها و بدبختی دانسته اند و امام باقر (ع) فرموده است: **هیچکس نمیتواند از لغزشها و گناهان محفوظ بماند مگر اینکه «زبان» خود را کنترل کند (۱).**

علی (ع) فرمود: هر کس به زبان خود مسلط و غالب باشد از خطاها و گرفتاریها و بدبختیها... در امان خواهد بود... چه با گرفتن يك كلمه نعمتهائی را از انسان سلب میکند» (۲).

مردی به محضر رسول اکرم (ص) شرفیاب شد و از آنحضرت درخواست کرد که وی را نصیحت کنی فرمود: **زبان خود را حفظ کن** سپس آن مرد اظهار داشت: یا رسول الله (ص) نصیحت دیگری بفرماید، یا امیر (ص) همان جمله را تکرار کردم اظهار داشت: **زبان خود را حفظ کن**، باز آن مرد درخواست نصیحت دیگری را نمود، رسول اکرم (ص) فرمود: «مگر باغیر زبان هم مردم به آتش فرو می‌افتند... بدبختیهای مردم همان حاصلی است که با زبان خود گاشته و اکنون میدوند» (ع) علی (ع) فرمود: انسان جاهل و نادان... **مگر باغیر زبان خویش است (۷)**

به تنها در زندگی اجتماعی، بلکه در زندگی

- (۱) روضه بحار ص ۱۷۸
- (۲) تحف العقول ص ۲۱۲
- (۳) تحف العقول ص ۵۶
- (۴) ج ۷۸ بحار الانوار

داخلی خانواده گی، زبان نقش مؤثری را ایفا می‌کند، گاهی اتفاق افتاده است که يك جمله از طرف مرد یا زن، باری محکم خوابوده را فرو ریخته و زندگی آنان را به جهنمی سوزان تبدیل می‌کند، و اگر درست بیندیشیم متوجه خواهیم شد که هیچگاه بیاری نیست که زبانها به زشتی بازگردد و در تمام مواقع می‌توانیم زبان خود را در اختیار داشته و اگر تقسیم، زیاده بگوئیم.

گاهی هم عده‌ای را می‌بینیم که شاید نقصه‌ای در آنان نباشد، ولی تنها به واسطه اینکه نمیتوانند درست سخن بگویند با سعادت خود بازی می‌کنند، یا بر اثر نبودن تربیت خانوادگی، زندگی در محیط فاسد، عادت کردن به الفاظ زشت و بالاخره بخاطر تشخیص ندادن، بائسته زبان، ریشه بیکختی خود را می‌زنند.

اکنون که ما میدانیم، کمال این دو عضو، موجب کمال ما و نقص معنوی ما این دو عضو باعث متزلزل شدن نای سعادت ما است، چرا به اصلاح این دو نبرد داریم؟

بخت بگوئیم دلی، **باز** و برادر ایمان و امال از محبت داشته باشیم که نعره آن در «عمل باشد» و سخن گفتن صحیح بدست آید تا دلها را بسوی خود جلب نمائیم.